

تبیین مفهوم مضطر؛ تحلیل ساختاری اضطراب وجودی ولی عصر

بررسی مصداق مضطر در آیه امن یحیی بر اساس اضطراب وجودی ولی عصر

تصور کنید فردی در اعماق یک اقیانوس تاریک، درون اتاقک یک زیردریایی آسیب‌دیده گرفتار شده است. اکسیژن به کمترین حد خود رسیده، ابزارهای ارتباطی قطع شده‌اند و هیچ راه خروج مکانیکی وجود ندارد. در این موقعیت، انسان با تمام سلول‌های خود، بن‌بست کامل ابزارهای مادی را درک می‌کند. این حالت روان‌شناختی و فیزیولوژیکی، در زبان روزمره درماندگی نامیده می‌شود؛ نقطه‌ای که در آن علل مادی از کار می‌افتند و فرد به دنبال یک علت ماورایی برای نجات می‌گردد. با این حال، این سطح از درماندگی، یک تجربه مقطعی، غریزی و وابسته به بقای فیزیکی است.

اگر این مفهوم را از سطح غریزی به سطح هستی‌شناختی ارتقا دهیم، با حقیقت متفاوتی روبه‌رو می‌شویم. در ساحت معرفت‌شناختی، نوعی از بی‌یاوری وجود دارد که ناشی از فقدان اکسیژن یا خطرات فیزیکی نیست، بلکه ریشه در یک مسئولیت تکوینی و فراق وجودی دارد. این مرتبه عالی، که فراتر از تجربه‌های زیسته عمومی است، به عنوان اضطراب وجودی ولی عصر شناخته می‌شود. در این مقاله تلاش می‌شود با تکیه بر تحلیل گزاره‌های روایی و قرآنی، ابعاد فلسفی و منطقی این حقیقت تبیین گردد تا مخاطب بتواند نسبت میان این مفاهیم وجودی را با ساختار زندگی و نیازهای بنیادین خود بازخوانی کند.

تبیین معناشناختی اضطراب و مراتب آن در هستی

واژه مضطر در اصطلاح تفسیری و فلسفی، به موجودی اطلاق می‌شود که در ذات و بقای خود، تمام واسطه‌ها و اسباب امکانی را ساقط‌شده می‌بیند و مستقیماً متصل به مسبب‌الاسباب می‌گردد. در تحلیل منطقی، اضطراب یک عارضه‌ی عرضی نیست، بلکه یک صفت ذاتی برای موجود ممکن‌الوجود است. تفاوت انسان‌ها

در درک این صفت است؛ انسان عادی تنها در شرایط بحران مادی متوجه این نیاز می‌شود، اما در مراتب عالی هستی، این درک به صورت دائمی و شهودی وجود دارد.

بر اساس شواهد نقلی، امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه ۶۲ سوره نمل (أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ)، بالاترین مرتبه این مفهوم را متوجه شخص ولی‌الله اعظم می‌دانند. در این تبیین، مفهوم اضطرار وجودی ولی عصر فراتر از یک نیاز شخصی یا مادی تعریف می‌شود. این حالت، برآمده از یک پیوند تکوینی میان امام و آحاد جامعه بشری است. وقتی واسطه فیض الهی به دلیل موانع تاریخی و بشری نمی‌تواند در جایگاه تدبیر مستقیم جامعه قرار گیرد، این عدم امکان تصرف و دوری از انسان‌ها، تبدیل به یک رنج وجودی مداوم می‌شود.

تحلیل چهارگانه‌ی تنهایی و آوارگی

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در توصیف وضعیت ولی عصر در دوران غیبت از چهار واژه کلیدی استفاده می‌کنند:

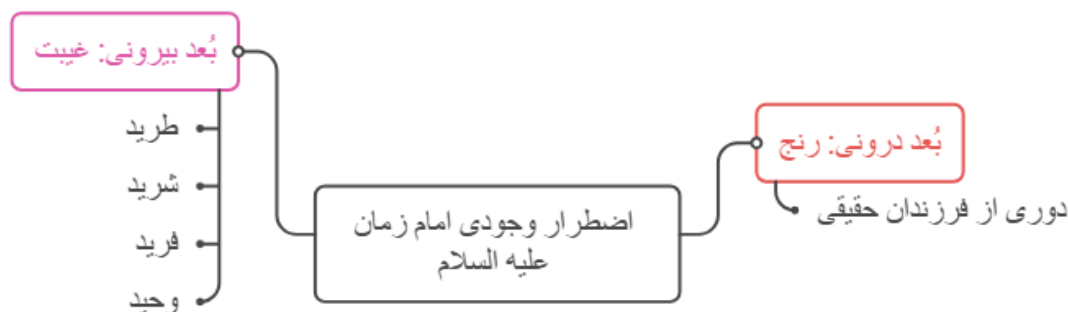
۱. الطَّرِيد (رانده شده)

۲. الشَّرِيد (آواره)

۳. الْفَرِيد (یکه و تک)

۴. الْوَحِيد (تنها)

در یک تحلیل ساختاریافته، این چهار عنوان صرفاً توصیف‌گر یک وضعیت جغرافیایی یا فیزیکی نیستند، بلکه نشان‌دهنده ابعاد گوناگون انزوای تاریخی و معرفتی امام در میان بشریت هستند:

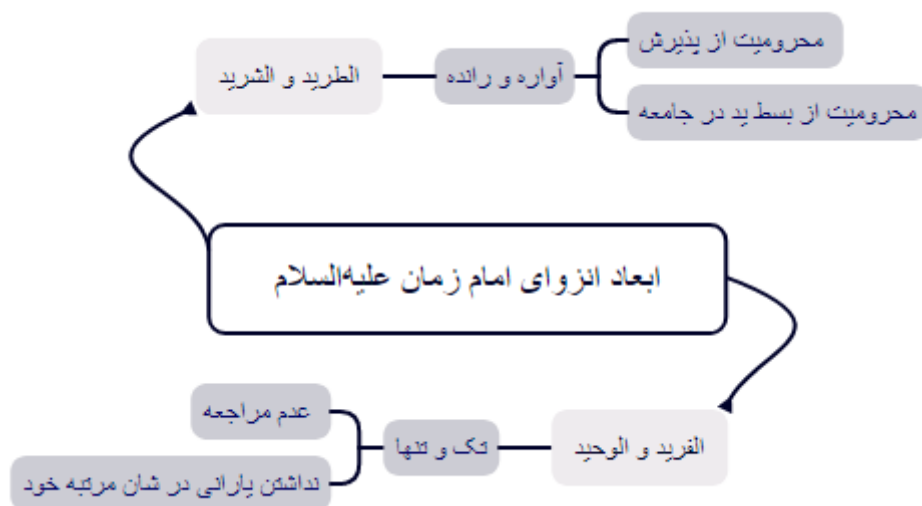


این انزوا، مبنای اصلی تحلیل فلسفی رنج امام است. رنج در اینجا ناشی از خودخواهی یا محرومیت از منافع شخصی نیست، بلکه ناشی از عدم تحقق غایت خلقت انسان‌ها، که رشد و کمال تحت هدایت مستقیم ولی خداست، می‌باشد. امام به عنوان پدر معنوی بشریت، محرومیت جامعه از این هدایت را مشاهده می‌کند و از این رو، توصیف‌های یادشده حقیقت اضطرار وجودی ولی عصر را نمایان می‌سازند.

نسبت میان غیبت و رنج وجودی ولی جامعه

چگونه یک موجود کامل معنوی دچار رنج و عذاب می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش فلسفی باید گفت که رنج بر دو گونه است: رنج نقصی و رنج کمالی. رنج نقصی ناشی از کمبودهای مادی و روانی فرد است، اما رنج کمالی ناشی از شدت شفقت و مسئولیت نسبت به هدایت دیگران است.

عذاب و اندوه ولی‌الله از این است که پیوند میان او و بشریت، فراتر از پیوندهای اعتباری و قراردادی است. رابطه امام با آحاد بشر، رابطه علت غایی با معلول یا رابطه روح با اعضای بدن است. غیبت و عدم حضور در کنار مردم، به معنای قطع این ارتباط ارگانیک در ساحت ظاهر است. این انقطاع ظاهری، عامل تکوین رنجی مداوم برای واسطه فیض است. در اینجا است که عبارت‌های روایی ناظر بر آوارگی و تنهایی، عمق خود را نشان می‌دهند. این رنج، موتور محرک تقاضای دگرگونی در عالم است که از آن به کشف تعبیر می‌شود.



بازخوانی آیه امن یجیب و پیوند آن با حقیقت اضطرار وجودی ولی عصر

آیه شریفه اَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاہُ وَ یَكْشِفُ السُّوءَ بیانگر یک قانون کلی در نظام آفرینش است: هرگاه اضطرار به نصاب خود برسد و استغاثه حقیقی شکل گیرد، پاسخ الهی و دگرگونی تکوینی (کشف سوء) حتمی خواهد بود. طبق روایت امام باقر علیه السلام، مصداق اتمّ و حقیقی این آیه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند.

تلاوت مداوم این آیه توسط ولی عصر و تمنای ایشان برای برطرف شدن گرفتاری، نشان می‌دهد که اضطرار ایشان یک حالت گذرا نیست، بلکه یک پروژه مستمر هستی‌شناختی است. در جدول زیر، مقایسه‌ای میان ویژگی‌های اضطرار عمومی، که برای انسانهای باقی مانده در سطح حیوانی و عقلی به وجود می‌آید، و اضطرار خاص ولی خدا ارائه شده است تا تفاوت بنیادی این دو سطح آشکار شود:

ویژگی‌های اضطرار عمومی (انسانی)	ویژگی‌های اضطرار وجودی ولی عصر
ناشی از بن‌بست‌های مادی و موقت است.	ناشی از عدم امکان هدایت مستقیم خلق و فراغ است.

^۱ آیه ۶۲ سوره مبارکه نمل

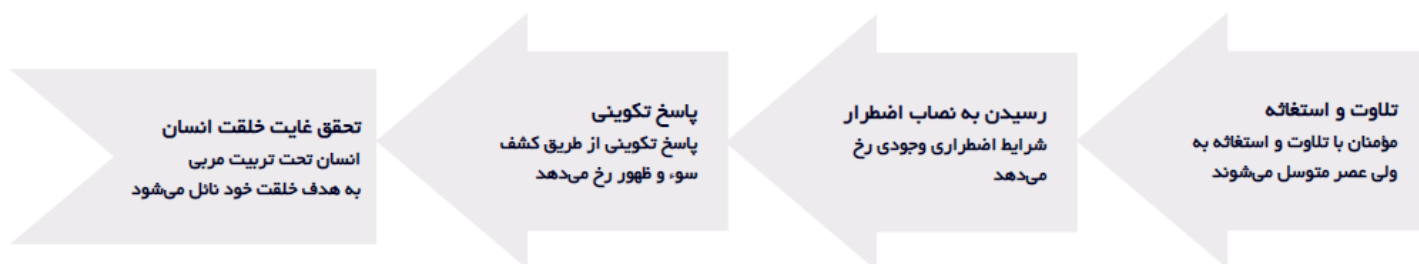
هدف آن، نجات شخصی و رهایی از آسیب است.	هدف آن، تحقق عدالت جهانی و کمال بشریت است.
با تغییر شرایط محیطی برطرف می‌شود.	تا زمان تحقق ظهور و رفع غیبت استمرار دارد.
مبتنی بر درک محدود عقل جزئی است.	مبتنی بر شهود تام و اراده الهی است.

این تحلیل نشان می‌دهد که چرا کشف سوء در این سطح، معادل پایان دوران غیبت و آغاز عصر حضور و حاکمیت توحید است. همچنین بر اساس این فرمایش از امام باقر علیه‌السلام مشخص می‌شود که اگر عموم مردم به درجه استغاثه حضرت نزدیک شوند؛ ظهور اتفاق خواهد افتاد.

شهود اضطراب ذاتی رمز اثرگذاری

تحلیل نظری این مفاهیم زمانی اثرگذار است که فرد بتواند مابه‌ازای عینی آن را در ساختار زندگی فردی و اجتماعی خود بازخوانی کند. انسانی که در هیاهوی روزمرگی و ابزارهای تکنولوژیک محصور شده است، معمولاً دچار غفلت از اضطراب ذاتی خویش می‌شود. او گمان می‌کند که خودکفاست و نیازی به هدایت ماورایی ندارد.

اما مواجهه با بحران‌های روحی، اخلاقی و بن‌بست‌های معرفتی در جهان معاصر، بار دیگر حقیقت نیاز به یک هادی بیرونی را برجسته می‌سازد. درک مفهوم اضطراب وجودی ولی عصر به انسان معاصر کمک می‌کند تا بفهمد تنهایی و سرگردانی او در جهان، ناشی از یک کمبود فناورانه یا رفاهی نیست، بلکه معلول دور افتادن از منبع اصلی هدایت است. پدری که رنجور از دوری فرزندان خویش است، پیوسته در حال تدبیر برای بازگشت آنان است؛ بازخوانی این رابطه، مسئولیت فرد را در قبال زمینه‌سازی برای رفع این غیبت و کاهش این رنج وجودی مشخص می‌کند.



فرآیند حل بحران غیبت از منظر کشف سوء

کشف سوء در ساحت تکوین، به معنای رفع موانع ارتباطی میان امام و خلق است. تا زمانی که بشریت به اضطرار جمعی نرسد و نیاز خود به ولی خدا را به عنوان یک ضرورت مطلق درک نکند، زمینه برای این دگرگونی فراهم نخواهد شد. درخواست مداوم ولی عصر برای تحقق این امر؛ در واقع هدایت تکوینی جریان تاریخ به سمت این نقطه عطف است.

بنابراین، رفع بحران غیبت یک امر تصادفی یا صرفاً زمانی نیست، بلکه یک فرآیند قانون‌مند و متکی بر سنت‌های الهی است. زمانی که اراده انسان‌ها با اراده ولی خدا همسو شود و جامعه بشری نیز به سهم خود به درکی واقعی از درماندگی بدون امام دست یابد، تقاضای واقعی شکل می‌گیرد. در این نقطه است که اضطرار وجودی ولی عصر به عنوان کاتالیزور نهایی عمل کرده و اراده الهی بر کشف سوء و تحقق ظهور تعلق می‌گیرد.

در این مقاله تحلیل منطقی نشان داد که تعبیر طرید، شریذ، فرید و وحید توصیف‌گر وضعیت تکوینی و معرفتی ولی خدا در دوران غیبت هستند. این وضعیت تنهایی و دوری از انسان‌ها، بستر پیدایش اضطرار وجودی ولی عصر است که مصداق تام آیه ۶۲ سوره نمل به شمار می‌رود.

کنش مستمر ولی عصر در خواندن این آیه و تمنای کشف سوء، فرآیندی معرفتی برای هدایت عالم به سمت غایت نهایی خلقت است. درک این حقیقت عقلانی به انسان‌ها کمک می‌کند تا جایگاه خود را در این شبکه

وجودی بازشناسند و متوجه شوند که رهایی از بن‌بست‌های تمدنی، مستلزم پیوند با اراده ولی خدا و تلاش برای رفع موانع حضور ایشان است.

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer

Mentazer Mentazer